

نقش دریای خزر در مناسبات عصر ایلخانی

^۱ الهه ابراهیمی

^۲ عبدالله همتی گلیان

چکیده

دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه جهان است که به دلیل قرارگرفتن بین قاره‌های آسیا و اروپا از نظر اقتصادی و سیاسی اهمیت زیادی برای کشورهای حاشیه آن از جمله ایران داشته است. این دریا و نواحی مجاور، نقشی مهمی در مناسبات تجاری و سیاسی عصر ایلخانی داشت و بازرگانان نواحی مختلف از طریق دریای خزر به برقراری مناسبات تجاری با غرب و شرق و نیز نواحی ساحلی آن می‌پرداختند؛ در این میان، موقعیت ارتباطی و تولیدات مناطق پیرامون در جذب بازرگانان خارجی اهمیت فراوانی داشت. تجار از جمله تاجران ونیزی و جنوایی با تردد در شهرهای تجاری غربی و جنوبی دریای خزر همچون دربند، بردعه، شماخی، تبریز و آمل با آنها دادوستد داشتند. دستیابی بر نواحی غربی دریای خزر که در روند فعالیت‌های تجاری این دوره اهمیت فراوانی داشت، خود عاملی برای بروز اختلاف میان ایلخانان و اردوی زرین بود. این دو قدرت که ادعای حاکمیت بر نواحی مورد اختلاف، از جمله ناحیه قفقاز را داشتند، به منازعات مختلف با یکدیگر پرداختند که این امر، رونق تجاری این منطقه و رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری را با محدودیت‌هایی مواجه می‌ساخت. بررسی نقش دریای خزر در مناسبات سیاسی و تجاری عصر ایلخانان و مبادلات بازرگانی که از طریق این دریا و نواحی اطراف آن صورت می‌گرفت، از اهداف پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی:

عصر ایلخانی، دریای خزر، مبادلات تجاری، مناسبات سیاسی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

^۱ کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد ebrahimi6619@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی hemati@um.ac.ir

دریای خزر به علت محاط بودن در خشکی و ارتباط نداشتن با دریاهای آزاد، دریاچه‌ای وسیع و از بزرگترین دریاچه‌های دنیا محسوب می‌شود. این دریا به دلیل قرار گرفتن بین دو قاره آسیا و اروپا از روزگاران گذشته دارای اهمیت بود، به همین دلیل در ادوار مختلف شاهد تنش و جنگ‌های متعدد میان قدرت‌ها به منظور دستیابی بر نواحی اطراف آن هستیم.

در تمام دنیا نمی‌توان دریایی چون دریای خزر یافت که در طی روزگاران گذشته تاکنون به اسامی متعددی نامیده شده است. این نام‌ها یا از نام اقوام مختلف ساکن سواحل آن و یا از نام مناطق و شهرهای اطراف گرفته شده که از جمله می‌توان به: دریای کاسپین^۱، دریای آلبانیا^۲، دریای گیلان، دریای گرگان، باب‌الابواب^۳، دریای خزر، دریای استرآباد (یا هیرکانی)، دریای خراسان، دریای آبسکون، طبرستان، مازندران، ساری و اکفوده دریا اشاره کرد.

دریای خزر از گذشته تاکنون نقش مهمی در مبادلات میان ساکنان اطراف و نیز دیگر نواحی داشت. این تجارت نه تنها توسط اقوام ساکن پیرامون آن صورت می‌گرفت، بلکه تجار مغرب‌زمین همچون بازرگانان رومی پس از عبور از رود سیحون برای انتقال محصولات چین و هند به دریای سیاه وارد دریای خزر می‌شدند و آنگاه از طریق رود کر، مال‌التجاره‌های خود را در ساحل فازیس^۴ به کشتی انتقال داده و از آنجا به دریای مدیترانه می‌بردند (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۳۰۸). ابتدا بخش قابل توجهی از نواحی جنوب و غرب دریای خزر در حوزه فرمانروایی ایلخانان بود که این امر خود نقش مهمی در رونق تجارت مناطق تحت حاکمیت آنان داشت. با این حال از دوره صفوی به تدریج بخش‌های مهم و تجاری غرب این دریا همچون شروان، گرجستان و آذربایجان از زیر نفوذ ایران خارج و تحت‌الحمایه عثمانی‌ها و روس‌ها قرار گرفت و سرانجام پس از برافتادن حکومت‌های قومی-محلی، اطراف دریای خزر و استوارگشتن قلمرو حاکمیت ایران و روسیه تا راستای کرانه‌های آن، این نواحی تا مدت‌ها بین دو کشور دست به دست گشت و در پایان به شکل امروزی درآمد. امروز،

^۱. caspian

^۲. Albanum آلبانیا یکی از ایالات غربی دریای خزر بود که جغرافیدانان مسلمان آن را الران و اران می‌نامیدند (بهبودی، ۱۳۹۱: ۱۱۰؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۹).

^۳. باب‌الابواب یا دربند واقع در جنوب شرقی داغستان و بر کناره غربی دریای خزر (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

^۴. phasis

کشورهای مجاور این دریا عبارتند از ایران، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه که از ۶۳۸۰ کیلومتر طول سواحل این دریا، حدود ۹۹۲ کیلومتر از آستارا تا رود اترک متعلق به ایران است. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی مبادلات تجاری عصر ایلخانی و جایگاهی که دریای خزر در روند این امر داشت و همچنین تاثیر و نقش دریای خزر در درگیری‌های سیاسی که ایلخانان با همسایگان خود داشتند، پرداخته خواهد شد. نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد، بیانگر این امر است که دریای خزر و نواحی اطراف آن که خود تولیدکننده بخش مهمی از کالاهای پرترفدار آن دوره بود، نقش قابل توجهی در مبادلات بازرگانی این دوره داشتند. بازرگانان متعددی از مناطق همجوار و نیز ایتالیا به منظور دادوستد کالا و خرید محصولات تولیدی نواحی مجاور دریای خزر، از طریق مسیرهای آبی و زمینی اطراف این دریا در رفت و آمد بودند. در این میان مسیرهای غربی دریای خزر همچون قفقاز تردد بیشتری نسبت به سایر طرق تجاری این دوره داشت. اهمیت استراتژیک دریای خزر خود عاملی برای درگیری‌های سیاسی میان ایلخانان و اردوی زرین بود. دستیابی بر این دریا، تیرگی روابط و به دنبال آن اقداماتی را از سوی دو حکومت به همراه داشت که سبب کندشدن روند تجارت و نیز ویرانی مراکز بازرگانی این دوره می‌گردید. تاکنون تحقیق جامعی در مورد جایگاه تجاری دریای خزر در دوره ایلخانان صورت نگرفته است. در مطالعاتی که تاکنون انجام شده، یا به جغرافیای دریای خزر به تنهایی پرداخته شده و یا در ضمن بررسی اوضاع اقتصادی این دوره، اشاره‌ای کوتاه به تجار ذکر شده در این پژوهش گردیده، ولی چگونگی روند تجارت از مسیرهای بازرگانی دریای خزر و نواحی اطراف آن بررسی نشده است.

مناسبات ساکنان اطراف دریای خزر پیش از روی کار آمدن ایلخانان

در طی تاریخ اقوام مختلفی بر کناره‌های دریای خزر سکونت داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به کاسپین‌ها، آماردها، کادوسی‌ها، تپورها، هیرکانیان، گیل‌ها و دیلم‌ها اشاره کرد که زمان سکونت برخی از آن‌ها به قبل از ورود آریایی‌ها به ایران می‌رسد (یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۴۲/۱؛ صورالاقالیم، ۱۳۵۳: ۱۰۰؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۵-۱۰۴). در این بخش، به اقوامی که در سال‌های پیش از هجوم مغولان در اطراف این دریا سکونت داشتند و نقش مهمی که در تجارت این ناحیه ایفا می‌کردند، در چهارحوزه جنوبی، غربی، شمالی و شرقی پرداخته خواهد شد.

آلان‌ها(آس‌ها)

از قبایل ایرانی ساکن قفقاز شمالی بودند که در سال ۳۷۱م. پس از شکست از هون‌ها، گروهی از آنان به سوی غرب مهاجرت کردند. بخشی از آلان‌ها که در شمال قفقاز باقی ماندند، با بلغارها و خزرها همسایه و به مرور زمان توسط آنان به سمت کوهستان‌های قفقاز رانده شدند(دانشنامه جهان اسلام، "آلان"، ج ۱، ص ۱۳۷؛ ساوینا، ۱۳۸۰: ۱۶۷). آلان‌ها همواره حملات مکرری به نواحی اطراف خود چون دربند داشتند و به قتل‌وغارت می‌پرداختند. تا زمان روی کارآمدن ساسانیان اوضاع به همین گونه بود، تا این‌که در این عصر در نتیجه استقرار امنیت در این مناطق، اوضاع تا حدی کنترل شد(بارتولد، ۱۳۷۵: ۲۰). حملات آنان به مناطق شمالی ایران در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و در فاصله سال‌های ۴۵۶-۴۵۴ق. ۱۰۶۴-۱۰۶۲م. در اران و شروان دست به غارت زدند و شهرهای مهم آن منطقه همچون شکی، شمکور، گنجه و بردعه را بارها به محاصره درآوردند(مینورسکی، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

مغولان در ادامه تصرفات خود، با حمله به آلان‌ها بسیاری از آنان را کشتند و اموالشان را غارت کردند. تعدادی از آلان‌ها که جان سالم به در بردند، به کوهستان‌ها رانده شدند و به دنبال آمیزش با ساکنان آن مناطق، هویت اصلی خود را از دست دادند، به طوری که در قرن ۱۰ق. ۱۶م. اثری از آن‌ها بر جای نماند. گروهی از آنان نیز که به نواحی ماورای قفقاز مهاجرت کرده بودند، با نام آس‌ها شناخته شدند(ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/۳۸۶-۳۸۵؛ جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۲۲۵-۲۲۴).

اوغوزها

ترک‌های اوغوز ساکن در شمال شرق دریای خزر با بلغارها و خزرها در غرب و مسلمانان ساکن نواحی جنوبی خود دارای مناسبات تجاری بودند. آمل تجارتگاه غزها بود و آنان احشام و اغنام و پوست سنجاب و خز و برده‌های خود را در این شهر به فروش می‌رساندند(یاقوت، ۱۹۹۵: ۱/۳۴۲؛ مشکور، ۱۳۴۹: ۱۲۴-۱۲۳). غزها در دریا و خشکی به دزدی می‌پرداختند و از طریق غارت شهرها و کاروان‌های تجاری نیز روزگار می‌گذراندند(مجهول، ۱۴۲۳: ۱۰۹-۱۰۸؛ ، گروسه، ۱۳۸۷: ۳۰۶).

دو شهر مهم خوارزم یعنی کاث و گرگانج در شرق دریای خزر از مراکز مهم تجاری محسوب می‌شدند و بازرگانان به منظور تجارت با اروپای شرقی از این مراکز عبور کرده و به خرید و فروش مال التجاره‌های خود در این مراکز می‌پرداختند. خوارزمیان خود نیز با نواحی شمالی دریاچه آرال، جنوب دریای خزر همچون گرگان و مناطق اطراف رود ولگا (بلغارها، اسلاوها و خزرها) به دادوستد اشتغال داشتند و کالاهایی چون پوست و دام را به این نواحی ارسال می‌کردند (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۹۳: ۴۷ و ۱۵۸).

برداسیان

از جمله اقوامی که در شکوفایی تجارت نواحی اطراف دریای خزر نقش ویژه‌ای داشتند، برداس یا برطاس‌ها بودند که در همسایگی خزرها و بر کنار رودی به همین نام سکونت داشتند. آنان همواره با بلغارها و پچنگ‌ها^۱ در جنگ بودند (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۴۰)، ولی برداسیان با خزرها مناسبات تجاری داشتند و از طریق رودخانه اتل وارد قلمرو خزرها شده و به دادوستد با آنها می‌پرداختند. مهمترین کالاهای آنان نیز قاقم و انواع پوست بود (قزوینی، ۱۹۹۸: ۱/۶۶۰). در ایران پوست روباه سفید و سرخ مشتریان بسیاری داشت و پادشاهان ایران به پوشیدن کلاه و خرقه‌ای که از آن دوخته می‌شد، مباحثات می‌کردند (مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۸۶). برداسیان در قرن ۴ ق.م. همچون دیگر اقوام حوزه دریای خزر به انقیاد روس‌ها درآمدند (بریمانی، ۲۵۳۵: ۵).

دیلمان و مازندران

مناطق جنوبی دریای خزر همچون طبرستان، گرگان (جرجان) و گیلان از گذشته جزو مناطق تجاری مهم و از مراکز صدور کالاهای تجاری آن دوره، همچون ابریشم، کتان، پنبه، ماهی و برنج به قفقاز و اروپای شرقی بودند.

اقوام گیل و دیلم با عبور از مسیرهای دریای خزر با خزرها و مناطق ارمنی‌نشین روابط تجاری داشتند و از ارمنستان پوست قاقم وارد می‌کردند (زهري، ۱۳۸۲: ۱۳۹). همچنین

^۱ طایفه‌ای از ترک‌ها بودند که در همسایگی برداس‌ها به صورت مستقل زندگی می‌کردند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۹۸/۲؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۶۱).

کالاهای تجاری چون قالی و آبگینه‌های بغدادی، انواع دیباج و حصیر از ولایات مختلف غربی و جنوبی وارد بازارهای طبرستان شده و از آنجا به اقصی نقاط دنیا برده می‌شد. آمل یکی از مراکز مهم تولید ابریشم به شمار می‌رفت. این شهر مرکز تجارت بازرگانان بلغار و سقسین^۱ بود و تجار از مناطق مختلف چون عراق، شام، خراسان و هندوستان برای خرید کالاهای بلغاری و سقسینی به آنجا می‌آمدند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۹۲). در شهر فریم^۲ نیز هر پانزده روز یک بار بازاری دایر می‌شد و بازرگانان در آنجا به خرید و فروش کنیز می‌پرداختند (خلیفه، ۱۳۹۱: ب: ۳۲).

خزرها

خزرها اقوامی ترک‌نژاد بودند که در قرن‌های هفتم و هشتم میلادی از آسیای مرکزی به مناطق اطراف این دریا مهاجرت کرده و تا قرن ۱۱ م/۵ق. به حکومت خود ادامه دادند. خزرها در مدت حکومت خود مسیرهای تجاری منتهی به شرق و غرب را امنیت بخشیدند و سبب رونق تجارت شدند. بازرگانان مختلف از ملیت‌های مختلف در شهرهای تجاری خزرها رفت و آمد داشتند. اِتل پایتخت خزرها تا قرن هشتم میلادی یکی از بزرگترین مراکز تجاری و محل تلاقی تجارت ایران، ارمنستان، بیزانس و روس به شمار می‌رفت (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۵۰). مرزهای خزرها در طی دوره‌های مختلف متغیر بود، ولی به طور کلی می‌توان گفت که قلمرو آنان شامل نواحی میان کوه‌های قفقاز و رودهای ولگا و دُن می‌شد (مینورسکی، ۱۳۷۵: ۱۸۴، مصطفوی، ۱۳۶۹: ۲۷؛ خلیفه، ۱۳۹۰: ۴۸۶/۱۵). اِتل که در مصب رود ولگا قرار داشت، تا قرن ۸/۲ م. یکی از بزرگترین مراکز تجاری و محل تلاقی تجار ایران، بیزانس، ارمنستان، روس و بلغار به شمار می‌رفته است. شهر اِتل توسط رود ولگا به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌شد. قسمت غربی آن محل سکونت خاقان خزرها و نظامیان بود و قسمت شرقی مرکز تجاری بود. در ساحل شرقی شهر، بازرگانان مختلف چون ایرانیان مسلمان و یهود و

۱. قزوینی در توصیف این شهر آورده: شهری است از شهرهای خزر، آبادان و معمور. اهل این شهر، چهل طایفه‌اند از طایفه غز. و در آن ولایت، تجار و غریب بسیار است... و اهل آن شهر، مسلمان و در مذهب ابوحنیفه و شافعی می‌باشند... معامله اهل سقسین با قلع باشد، چنانکه در سایر ولایات به مس و طلا نقره است. گوشت و آنان در ولایت ایشان، بسیار و ارزان است و گوسفندی را به نیم‌دانگ خرید و فروخت نمایند. و میوه در ولایت ایشان بسیار است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۹۹).

۲. شهری واقع در کوهستان‌های شرقی مازندران (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۱۰۵۴).

یونانیان مسیحی و یهودی حضور داشتند (یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۶۸/۲-۳۶۷) که از طریق دریای خزر و دریای سیاه آمده و به فروش کالاهایی چون ادویه، عطریات و ابریشم مبادله می‌کردند. اسلاوها و بلغارها نیز برده، موم، عسل و خزهای سمور و عنبر دریای بالتیک را برای فروش به این منطقه می‌آوردند و خزرها نیز انواع ماهی، چرم و پوست را به فروش می‌رساندند (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۵۰-۲۴۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۹: ۲۸-۲۷).

خزرها نیز با خوارزمیان تجارت داشتند و چنان که گفته شده تجارت استخوان میان آنان رواج داشته است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۲۳۹). بازرگانان مسلمان قلمرو خزرها از طریق دریای خزر میان اران، گیلان، گرگان و طبرستان در رفت‌وآمد بودند (یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۴۳/۱) و مناطق جنوبی دریای خزر و آذربایجان، پوشاک خزرها را تأمین می‌کردند (خلیفه، ۱۳۹۱: ۴۸۷).

خزرها خود دارای تولیدات خاصی که دربردارنده درآمدی برای آنان باشد، نبودند. منبع عمده درآمد آنان از تجارت، عایدات گمرکی و همچنین از باج و خراجی بود که از طوایف تابعه حاصل می‌شد (بارتولد، ۱۳۷۵: ۳۹-۴۰). بازرگانان خوارزمی کالاهای نواحی بلغار و اسلاو را با عبور از قلمرو خزرها به خوارزم و دیگر نواحی قلمرو اسلامی ارسال می‌کردند (ابن-رسته، ۱۸۹۲: ۱۴۲-۱۴۱؛ بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۵۰).

نواحی اطراف دریای خزر همواره در معرض هجوم خزرها قرار داشت. آنان به طور مداوم به ارمنستان، اران، آذربایجان و سایر مناطق همسایه که تحت تسلط مسلمانان بود، یورش‌هایی داشتند. چنان که در سال ۱۸۳ق. ۷۹۹م. دامنه تاخت‌وتاز آنان تا ماورالنهر نیز کشیده شد و حتی برای مدتی حدود مرزی آن‌ها در شرق دریای خزر، تا استرآباد نیز رسید (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۷۴-۷۶؛ بهزادی، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۵). با قدرت‌یافتن روس‌ها در سال ۲۴۸ق. ۸۶۲م. قدرت خزرها رو به ضعف نهاد. چهارمین قیصر روس سویاتوسلاو^۱ (۳۶-۳۴۴ق. ۹۷۳-۹۵۵م) در سال ۳۵۴ق. ۹۶۵م. خزرها را شکست داد و اتل، پایتخت‌شان را غارت کرد. در نتیجه آن، قدرت خزرها از بین رفت (گروسه، ۱۳۸۷: ۳۰۳؛ بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۵۰) و بسیاری از یهودیان خزری از قلمرو خود به سایر مناطق چون اوکراین، مجارستان و لهستان رانده شدند. سرانجام با ظهور ایلخانان آخرین بازماندگان خزران نیز نابود شدند (گستلر، ۱۳۶۱: ۷).

^۱. Sviatoslav

بلغارها

مردمانی ترک تبار بودند که در دشت قبیچاق^۱ و در ملتقای رودهای کاما و ولگا سکونت داشتند. آنان از طریق دامداری و کشاورزی و تجارت روزگار می گذراندند و کالاهایی چون پوست روباه، سنجاب و قاقم را با خزرها و روسها دادوستد می کردند (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۴۲-۱۴۱). بلغارها دارای کالاهای تجاری چون پوست بودند و روسها در مواقع خشکسالی از آنها گندم می گرفتند. بلغارها همچنین در صنعت چرم سازی فعالیت داشتند و کالاهای چرمی خود را به نواحی مختلف صادر می کردند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۸۴).

مغولان در جریان حملات خود با بلغارها نیز درگیر شدند. آنان در اواخر ۶۲۰ ق.م. ۱۲۲۳ م. پس از قتل و غارت روسها در صدد مقابله با بلغارها برآمدند، اما در نبردی که میان آنان روی داد، بلغارها پیروز شدند. به دنبال آن بسیاری از مغولان کشته شدند و بسیاری از ساکنان آن نواحی که مجبور به ترک آنجا شده بودند، به موطن خود بازگشتند. با خروج مغولان راههای ارتباطی دشت قبیچاق که در این مدت بر روی آنها بسته بود، دوباره باز شد و کار تجار دوباره رونق گرفت. از سده ۸ ق.م. ۱۴. به بعد دیگر سخنی از قوم بلغار در منابع وجود ندارد که احتمال می رود با شکل گیری حکومت اردوی زرین از بین رفته باشند (قره چانلو، ۱۳۹۳: ۱۳۴ و ۱۲۶؛ هرَبک، ۱۳۹۰: ۵۴/۴).

صقالیه^۲

قوم دیگر ساکن نواحی شمالی و شمال غرب دریای خزر که با مناطق جنوبی دریای خزر دادوستد داشتند، صقالیه بودند. آنان با خزرها دارای روابط بازرگانی بودند و مالالتجاره های خود را از طریق دریای سیاه و راه رودخانه دن به پایتخت خزرها می آوردند، آن گاه در صورتی که قصد ارسال کالاهایشان را به دیگر نواحی اطراف دریای خزر داشتند، پس از

۱. دشت قبیچاق در دوره ایلخانان شامل دو بخش شرقی و غربی بود. محدوده نیمه غربی که مسکن حکومت اردوی زرین بود محدوده آن بین رودخانه یائیک در شرق و رودخانه دنیستر در غرب را در بر می گرفت. بخش شرقی قبیچاق نیز شامل ساحل شرقی رود ولگا- کرانه های اورال- سواحل خزر و آرال می شد که بر هر قسمت آن حکومتی از خاندان مغولی (فرزندان جوچی) حکومت داشتند.

۲. اسلاوها را اعراب صقالیه یا سقلاب می گفتند. صقالیه به دو گروه صقالیه شرقی و غربی تقسیم می شدند که بین کوه های اورال و دریای آدرتاتیک در اروپای شرقی ساکن بوده اند (ابن حانک، ۱۴۲۵: ۱۰۴/۱).

پرداخت خراج به خزرها، وارد دریای خزر می‌شدند. سپس در سواحل متعدد آن پیاده شده و کالاهایشان دادوستد می‌کردند. همچنین برخی از مال‌التجاره‌های خود را از طریق گرگان به بغداد و دیگر مناطق مرکزی ایران و نیز بلخ و ماوراءالنهر حمل می‌کردند (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۴۵-۱۴۴).

چنان‌که اشاره شد، پیش از روی کار آمدن ایلخانان، دریای خزر در مناسبات ساکنان اطراف آن علی‌الخصوص در مبادلات تجار ملل مختلف تأثیرگذار بود. نواحی جنوبی و غربی دریای خزر از گذشته جز مناطق تجاری مهم و از مراکز صدور کالا به سایر نقاط همچون اروپای شرقی بودند. اقوام مختلف همچون خزرها، اغزها، بلغارها و گیل‌ها از طریق این دریا به دادوستد مشغول بودند و بازرگانان به منظور تجارت با اروپای شرقی، ضمن عبور از نواحی اطراف دریای خزر، به خرید و فروش مال‌التجاره‌های خود در این مراکز می‌پرداختند. از جمله به فعالیت تجار عراقی، خراسانی و هندی در آمل اشاره شده است. در این دوره همچنین دریای خزر وسیله‌ای برای ارتباط غارتگران غرب آن با مراکز جنوبی و غارت این نواحی بود. مغولان با آغاز فتوحات خود، حکومت‌های بسیاری از اقوام ساکن حوزه دریای خزر را برانداختند و به فعالیت آنان خاتمه دادند.

مبادلات و فعالیت‌های تجاری عصر ایلخانان

از آنجایی که وضعیت تجاری این دوره در روند فعالیت‌های بازرگانی اقوام و جمعیت‌های مورد بحث تأثیرگذار است، ابتدا وضعیت تجاری آن‌ها بررسی می‌شود. اوضاع اقتصادی به ویژه تجارت ایران در عصر ایلخانان دچار فراز و فرود بسیاری گردید. با آغاز هجوم مغولان به ایران، مناطق بسیاری از جمله نواحی اطراف دریای خزر روبه ویرانی نهاد و به دلیل فرار مردم و همچنین قتل‌عام جمعیت ساکن، شهرها خالی از سکنه گردید. تخریب سدها و تأسیسات آبیاری، مهاجرت بیابانگردان مغول و ترک به ایران^۱ و همچنین سیاست‌های مالیاتی نامنظم و سنگین ایلخانان که گاه سالی چند بار از مردم گرفته می‌شد و مقدار آن نیز همواره در نوسان بود، تأثیرات ناگواری بر اقتصاد ایران برجای گذاشت (پتروشفسکی،

^۱ افزایش شمار چادرنشینان در ایران در فروپاشی نظام اقتصادی بخصوص کشاورزی تأثیرات منفی بسیاری داشت. این چادرنشینان در خلال مهاجرت خود، چراگاه‌ها را ویران و محصولات کشاورزی را نابود کردند (پتروشفسکی، ۱۳۶۶: ۱۲-۱۱).

۱۳۴۴:۶۵ و ۶۰). با این حال، در فاصله سال‌های ۷۳۶-۷۰۰ ق. / ۱۳۳۵-۱۳۰۰ م. یعنی تا پایان حکومت ابوسعید ایلخانی، در نتیجه تلاش برخی از سلاطین ایلخانی در توسعه و رونق اقتصاد کشور، مراکز تجاری اطراف دریای خزر توقفگاه‌بازرگانانداخلیو خارجی گردید (نسوی، ۱۳۲۴: ۳۷). در این دوره به دلیل آن که معیار مشخصی برای مسکوکات وجود نداشت و در هر یک از ولایات ایران سکه‌های طلا با عیارهای مختلفی ضرب می‌شد، این امر موجب بروز مشکلات بسیاری برای مردم و تجار شد. برای بهبودی این اوضاع در عصر ارغون‌خان (۶۸۳-۶۹۰ ق. / ۱۲۸۴-۱۲۹۱ م) بر آن شد که در تمامی قلمرو ایلخانان عیار نقره ده نه باشد که این امر در دوره گیخاتو (۶۹۰-۶۹۴ ق. / ۱۲۹۱-۱۲۹۵ م) نیز ادامه یافت، اما با این حال ایلخانان نتوانستند عیار مسکوکات را به طور کامل تحت کنترل خود درآورند. کاهش عیار مسکوکات در عصر گیخاتو سبب شد تا وی دستور داد اسکناس جدیدی به نام چاو را منتشر شود. ارزش این اسکناس که منشأ چینی داشت و تقلیدی از اسکناس‌های مغولی بود، به ۵ تا ۱۰ دینار می‌رسید. با انتشار این سکه‌ها در سال ۶۹۳ ق. / ۱۲۹۳ م. مردم موظف به استفاده از آن در معاملات شدند. در این زمان غازان‌خان که حاکم خراسان بود از پذیرش این واحد جدید پولی خودداری کرد و مردم به دلیل ناآشنایی با چنین واحد پولی، از قبول آن امتناع کردند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۷۴/۳؛ اشپولر، ۱۳۶۵: ۳۰۲-۳۰۱). با شکست این طرح پس از دو ماه این سکه‌ها جمع‌آوری شدند و اوضاع به روال سابق بازگشت. نظام پولی چاو از آنجایی که در میان مردم گسترش نیافت، خسارات مالی زیادی در پی نداشت و پس از لغو استفاده نیز به زودی فراموش گردید (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۳۸/۳-۱۳۷).

غازان‌خان (۶۹۴-۷۰۳ ق. / ۱۳۹۴-۱۳۰۴ م) زمانی که به ایلخانی رسید، اقداماتی را جهت سامان دادن به فعالیت‌های تجاری به انجام رساند. تا این زمان تجار دولتی با حمایت درباریان و از راه رباخواری و زورگویی توانسته بودند سود هنگفتی به دست آورند. در مقابل، تجار و بازرگانان خرده‌پابه دلیل پرداخت مالیات تمغا و نداشتن پشتیبان، در وضعیت خوبی به سر نمی‌بردند. غازان برای رفع این مشکل، جلوی رباخواری را گرفت. بازرگانان خرده‌پا را مورد حمایت خود قرار داد و آنان را در بسیاری از شهرها از پرداخت تمغا معاف کرد. همچنین میزان مالیات‌ها را تا نصف تقلیل داد (مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۰۳؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۱۴۷/۵). وی حق ضرب مسکوکات برخی از کشورها را لغو کرد و واحد پولی جدیدی را رایج

کرد که مورد قبول مردم و حتی زمامداران مستقل چون حکام گیلان واقع شد. دینار جدید ۲/۱۴ گرم وزن داشت و با انتشار این سکه‌ها در کشور و جمع‌آوری سایر مسکوکات، معاملات با واحد پولی جدید صورت می‌گرفت (اشپولر، ۳۰۳: ۱۳۶۵؛ یوسفی، ۱۳۴۸: ۳۹۳).

ارتاق‌ها

تجار ایرانی، گاه به صورت مستقل با تشکیل دارالتجاره در نقاط مختلف به تجارت مشغول می‌شدند و گاه با حمایت دولت‌ها و دریافت امتیازات تجاری از سوی آنان به دادوستد می‌پرداختند. آنان قسمتی از ابریشم تولیدی ایران را که بخش عمده‌ای از آن در نقاط جنوبی و غربی دریای خزر به دست می‌آمد، به شهرهایی چون تبریز و سلطانیه منتقل می‌کردند و کشتی‌های این بازرگانان بین گیلان و مازندران با جزیره نیم‌مردان در رفت‌وآمد بود.

اشراف و سلاطین ایلخانی با حمایت از تجار، اتحادیه‌ای به نام ارتاق‌ها را بنیان نهادند که به فعالیت‌های تجاری داخلی و خارجی اختصاص داشت. با وجود این که اکثر موسسان این شرکت‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دادند، اما بیشتر اعضای آن متشکل از غیر مسلمانان بود. ارتاق‌ها از حمایت‌های مالی دربار ایلخانی برخوردار بودند و در ازای آن مبالغی از سود سالیانه خود را به خزانه می‌پرداختند. اعضای خاندان حاکم بیشترین سهم این شرکت‌ها را در اختیار داشتند. ارتاق‌ها دارای قدرت اقتصادی زیادی بودند و اعتبارات اخذ شده از سوی آنان در بسیاری از نقاط معتبر بود (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۷۷).

ارتاق‌ها در مراکز تجاری غرب دریای خزر به دادوستد می‌پرداختند و دولت ایلخانی در حمایت از فعالیت‌های آنان تلاش ویژه‌ای در برقراری امنیت این نواحی داشت. با توجه به این که مناسبات اردوی زرین و ایلخانان از طریق راه‌های غربی دریای خزر انجام می‌شد و تجارت خارجی ایران نیز توسط ارتاق‌ها صورت می‌گرفت، می‌توان به نقش مهم ارتاق‌ها در برقراری روابط بازرگانی با دول اروپایی و دشت قبچاق پی برد (همان، ۵۸).

رونق مناسبات تجاری این شرکت‌ها همچنان ادامه داشت، تا این که با سقوط ایلخانان، از دامنه فعالیت آنان کاسته شد و سپس در عصر تیموری ادامه یافت. در این دوره نیز همچون عهد ایلخانان امتیازات بسیاری به ارتاق‌ها اعطا شد و آنان همچنان از پرداخت مالیات معاف بودند و از خزانه شاهی اعتبارهای بسیاری دریافت می‌کردند (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۷۷؛ آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

اردوی زرین

ایلخانان با خانات اردوی زرین نیز مبادلات تجاری داشتند، اما این مناسبات همیشه برقرار نبود. عدم ثبات در روابط سیاسی میان اردوی زرین و ایلخانان یکی از بارزترین عوامل تأثیرگذار در کمیت و حجم تجارت میان آنان بود. در مبادلات میان ایلخانان و اردوی زرین، مسیر غرب دریای خزر (آذربایجان-اران-قفقاز) محل تردد بود و دستیابی به مناطق استراتژیک این ناحیه یکی از دلایل خصوصیت میان دو حکومت به شمار می‌رفت.

منازعات میان ایلخانان و اردوی زرین گاه موجب قطع روابط تجاری این دو حکومت می‌شد، اما وقتی این روابط بهبود می‌یافت، بازرگانان بار دیگر در این مسیرها تردد می‌کردند (مورگان، ۱۳۷۱: ۱۷۴). اگرچه قطع روابط با اردوی زرین برای ایلخانان چندان مهم نبود و آنان می‌توانستند کالاهای مورد نیاز خود را که تا پیش از این از مناطق دشت قباچاق وارد می‌شد، از ماورالنهر و ترکستان وارد کنند. این درگیری‌ها خسارات دیگری نیز به دنبال داشت؛ در جریان تهاجم مغولان قباچاق به مراکز تجاری (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۲۵-۴۲۴)، مال-التجاره کاروان‌ها غارت می‌شد و جان تجار دو طرف در خطر قرار می‌گرفت. با توجه به این گونه اقدامات، هلاکو در سال ۶۶۲ ق. / ۱۲۶۳ م. پس از فتح آذربایجان، دستور داد عاملان تجاری اردوی زرین را که در تبریز مشغول تجارت بودند، از دم تیغ بگذرانند (آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶).

زمامداران اردوی زرین خود به امور تجاری توجه داشتند. آنان به منظور حفظ موقعیت تجاری قلمرو خود و تشویق تجار به استفاده از این مسیر، مال‌التجاره‌هایی را که به قلمروشان وارد می‌شد، به قیمتی بیش از قیمت اصلی خریداری می‌کردند. این امور سبب رونق مبادلات تجاری میان تجار ایرانی و اردوی زرین می‌گردید (بیانی، ۱۳۸۹: ۲۶۶).

مبادلات تجاری با اردوی زرین در دوره تیموری نیز برقرار بود. منابع به طور صریح به این مناسبات اشاره نکرده‌اند، اما در این دوره از تاجری به نام شمس‌الدین محمد یاد می‌شود که با دریافت سرمایه از خزانه دربار در سال ۸۴۲ ق. / ۱۴۳۸ م. از راه اورگنج راهی سرای شد. از جمله کالاهایی که او به این منطقه برده بود به مروارید، زنجبیل، جوزهندی و آبنوس اشاره شده است (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۵-۲۶۴؛ میرجعفری، ۱۳۸۸: ۲۲۱). از آنجایی که وی در این تجارت، چهار یا پنج برابر سرمایه اولیه خود سود به دست آورده بود، شاید بتوان نتیجه گرفت که در این دوره مناسبات تجاری پرسودی میان برخی از تجار ایران و اردوی زرین جریان داشت. عبدالرزاق

سمرقندی نیز که در سال ۸۴۴ ق. / ۱۴۴۱ م. / ۸۴۵ ق. / ۱۴۴۲ م. از جانب شاهرخ به سفارت هند فرستاده شد، از راه هرمز به هند سفر کرده است. وی در توصیف اوضاع تجاری این ناحیه بیان می‌کند که بازرگانان مختلف از مصر، شام، روم، دشت قبچاق و سایر نواحی در این بندر، بندر هرمز، به تجارت مشغول بوده‌اند (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۲). این گزارش نشان می‌دهد مناسبات تیموریان و اردوی زرین در این بندر جنوبی ایران نیز برقرار بوده است و تجار دشت قبچاق با عبور از ایران در این بندر با بازرگانان ایرانی و سایر تجار خارجی که مال‌التجاره‌های خود را وارد آن می‌کردند، تجارت داشته‌اند و شاید از این منطقه برای ارسال کالاهای خود به هند استفاده می‌کرده‌اند.

ایتالیایی‌ها

با شکل‌گیری حکومت ایلخانی و با امنیتی که در مسیرهای تجاری این دوره به وجود آمد، موانع تجاری که در روند بازرگانی دولت‌شهرهای ایتالیا با ایران وجود داشت از میان رفت و مناسبات بازرگانی آنان با نقاط مختلف قلمرو ایلخانان گسترش یافت (یی پینگ، ۱۳۹۰: ۱۳۲). این دولت‌شهرها مانند جنوا تا پیش از آغاز مناسبات بازرگانی با ایلخانان به دادوستد با مغولان دشت قبچاق مشغول بودند. پلان کارپن در سال ۶۴۳ ق. / ۱۲۴۵ م. از سوی کلیسای روم و به منظور مذاکره با مغولان عازم مغولستان شد. وی پس از دیدار با رهبر مغولان به وطن بازگشت و اطلاعات خود را در مورد راه‌های قلمرو مغولان به اسقف اعظم روم ارائه داد. این اطلاعات زمینه‌آشنایی بیشتر و به دنبال آن آغاز مناسبات با مغولان را فراهم ساخت. جنوایی‌ها به منظور گسترش تجارت با اردوی زرین و از آن طریق با شرق، سازمانی به نام اداره کریمه بنیان نهادند و امتعه تجاری خود را از هندوستان، روسیه، هسترخان، سرای و خوارزم از طریق مسیر ولگا به پایگاه‌های تجاری خود در سواحل دریای سیاه منتقل و از آنجا به بازارهای اروپا می‌فرستادند (اقبال، ۱۳۸۸: ۵۶۹-۵۶۸؛ چارشی لی، ۱۳۶۸: ۲۶۴/۱).

نخستین دولت‌شهر ایتالیایی که باب تجارت را با ایران گشود جنوایی‌ها بودند. حمایت دولت جنوا در قدرت‌گرفتن سلسله پائولوگ^۱ (۸۵۷-۶۴۳ ق. / ۱۴۵۳-۱۲۶۵ م.) سبب شد تا

^۱ در سال ۶۵۸ ق. / ۱۲۵۹ م. در حالی که حکومت لاتینی بیزانس (۱۲۶۱-۱۲۰۴ م) در معرض اضمحلال قرار داشت، میشل پائولوگ در سال ۶۵۹ ق. / ۱۲۶۱ م. پس از تصرف قسطنطنیه و پایان بخشیدن به حکومت لاتینی‌ها تاجگذاری کرد و سلسله پائولوگ را بنیان نهاد (کوریک، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲؛ لومرل، بی تا: ۱۴۲-۱۴۰).

دولت بیزانس امتیازاتی تجاری را به آنان اعطا کند. جنوایی‌ها که در مسیر دریای سیاه به تجارت مشغول بودند، از سال ۶۶۵ ق.م. ۱۲۶۷ م. به دادستد با مغولان در شهر سراپرداختند. ازدواج اباقا (۶۸۰-۶۶۳ ق.م. ۱۲۸۱-۱۲۶۵ م.) با دختر میشل پالئولوگ^۱ سبب گسترش مناسبات دو کشور شد که این خود فرصت مناسبی را برای گسترش فعالیت‌های تجاری جنوایی‌ها در قلمرو ایلخانفراهم ساخت. علاوه بر بیزانس، مناطق طرابوزان، ارمنستان و گرجستان نیز که در مسیر پایگاه‌های تجاری جنوایی‌ها در دریای سیاه قرار داشتند، واسطه دادوستد جنوایی‌ها با ایلخانان بود و آنان با کسب اجازه از پادشاه ارمنستان به منظور تجارت در بنادر این کشور به مناسبات بازرگانی خود رونق بخشیدند (کریمی و رضایی، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸). تجار جنوایی از مراکز تجاری خود در آروف^۲، در مصب رود دن بالا آمده و از طریق رود ولگا وارد دریای خزر می‌شدند، آن‌گاه به دادوستد با ولایات شمالی ایران مشغول می‌شدند. آنان همچنین از طرابوزان با عبور از ساحل دریای سیاه و بندر ایاس در ارمنستان صغیر، وارد تبریز می‌شدند (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۰۱، اقبال، ۱۳۸۸: ۵۷۲-۵۷۱).

دیگر دولت‌شهر ایتالیایی که به تجارت با ایلخانان روی آورد، ونیزی‌ها بودند. آنان در دوره حکمرانی الجایتو مورد حمایت دولت ایلخانی قرار گرفتند و از این زمان در تبریز و سلطانیه مستقر شدند. ونیزیان در زمان ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ ق.م. ۱۳۳۶-۱۳۱۶ م) در سال‌های ۷۲۰ ق.م. ۱۳۲۰ م. و ۷۲۹ ق.م. ۱۳۲۶ م. دو قرارداد تجاری با ایلخانان منعقد کردند که طی آن امتیازات خوبی به دست آوردند. بر اساس این قرارداد، آنان می‌توانستند آزادانه در سراسر ایران به تجارت بپردازند. امنیت لازم برای تجار و کاروان‌های ونیزی فراهم شد. آنان از معافیت‌های مالیاتی برخوردار شدند و همچنین می‌توانستند در ایران کنسولگری^۳ داشته باشند (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی، ۱۳۵۲: ۱۳).

^۱. Michel paleologue

^۲. بندری در جنوب شرقی بخش اروپایی روسیه و در کرانه غربی رود دن (عالم‌زاده، ۱۳۶۷: ۱۹۱/۱).

^۳. در سال ۷۲۴ ق یک کنسول از ونیز به تبریز آمد و به تدریج دارالتجاره‌های ونیزی در این شهر شکل گرفتند. کنسولگری‌های ونیزیان در شهرهای مختلف قرارداداشتند و مرکب از یک کنسول و چهار کارمند بود. تجار ونیزی در مواقعی که با مشکل مواجه می‌شدند به این کنسولگری‌ها مراجعه می‌کردند. اما جالب است که در برخی اسناد ذکر شده است که تجار ونیزی به‌جای مراجعه به آن‌ها به خاندان درباری رجوع داشته‌اند (اشیپولر، ۱۳۶۵: ۴۳۴؛ اقبال، ۱۳۸۸: ۵۷۳؛ اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی، ۱۳۵۲: ۱۳).

کشتی‌های ونیزی و جنوایی در جزیره نیم‌مردان لنگر می‌انداختند و از این نقطه به خرید ابریشم استرآباد می‌پرداختند (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۰۱). همچنین در این دوره کاروان‌های تجاری میان خوارزم و سرای در رفت‌وآمد بودند و بازرگانان ایتالیایی از همین مسیر به منظور انتقال تولیدات مناطق اطراف دریای خزر به پایگاه‌های تجاری خود در تانا و کافا استفاده می‌کردند (اقبال، ۱۳۸۸: ۵۶۹-۵۶۸). بازرگانان ونیزی و جنوایی به عنوان واسطه تجارت میان ایران و دول غربی، در مبادلات با شرق نیز موفق بودند. همچنین آنان از مسیری که از طرابوزان و سواحل دریای سیاه شروع و از سوریه و آسیای صغیر می‌گذشت و با عبور از تبریز، قزوین، ری، مرو، سمرقند، تاشکند و کاشغر به توئن هوانگ می‌رسید نیز استفاده می‌کردند (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۳۸/۵-۱۳۷).

پس از سقوط حکومت ایلخانان، به دنبال ناامنی راه‌ها و رکود تجارت در ایران، بسیاری از تجار ونیزی و جنوایی تبریز را ترک کردند. اگرچه به منظور بهبود روابط بازرگانی با ایتالیایی‌ها از سوی حکومت‌های محلی تلاش‌هایی صورت گرفت، اما رونق تجاری گذشته احیا نگردید. چنان که ملک‌اشرف چوپانی (۷۵۶-۷۴۴ ق. / ۱۳۵۵-۱۳۴۳ م.) در سال ۷۴۴ ق. / ۱۳۴۴ م. با اعزام سفرایی به جنوا خواستار ادامه مناسبات با آنان شد. اما پس از قبول خواسته‌ی وی از سوی جنوایی‌ها و اعزام هیئتی تجاری به تبریز، مال‌التجاره کاروان جنوایی طمع ملک‌اشرف را برانگیخت و به دستور وی تجار اسیر و اموالشان مصادره شد. به دنبال این اقدام ملک‌اشرف، تجارت ایرانی‌ها با دولت‌شهرهای ایتالیایی بار دیگر قطع شد (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی، ۱۳۵۲: ۱۴؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۷۷).^۱

^۱ ونیزی‌ها نیز به دنبال منازعات متعدد با عثمانی و از دست دادن پایگاه‌های تجاری خود در دریای سیاه، در صدد برقراری روابط با آق‌قویونلوها برآمدند. در دوره اوزون حسن (۸۵۷-۸۴۸ ق. / ۱۴۵۳-۱۴۴۴ م.) به منظور مقابله با دولت عثمانی سفرایی میان طرفین رودبدل گردید و پس از آن روابط سیاسی و تجاری میان آنان برقرار شد. آنان در زمان حکومت اوزون حسن، در تبریز و لاهیجان دارای کنسولگری بودند و همچنین انحصار تجارت ابریشم با ایران را در دست داشتند. پس از اوزون حسن و تغییر سیاست جانشینان وی در برقراری روابط دوستانه با عثمانی‌ها، دولت آق‌قویونلو تمایلی به ادامه مناسبات سیاسی با ونیز نشان نداد. آنان منبع عمده درآمد خود را از طریق فروش ابریشم گیلان و مازندران در بازارهای عثمانی بخصوص بازار بورسا به دست می‌آوردند، با این حال باید اشاره کرد که با وجود قطع روابط سیاسی میان ایران و ونیز، مبادلات تجاری همچنان ادامه داشت و تجارتخانه‌های ونیزیان دایر و بازرگانان آزادانه به فعالیت مشغول بودند. فعالیت تجارتنی ونیزی با ایران چندان دوام نیافت و پس از سقوط آق‌قویونلوها در سال ۹۰۸ ق. / ۱۵۰۲ م. این خط مواصلاتی با ایران نیز از میان رفت.

ابریشم از جمله کالاهای صادراتی ایران به ایتالیا بود. تا پیش از خراب شدن هشترخان که به دنبال حملات تیمور به مناطق اطراف دریای خزر صورت گرفت، ابریشم ایران از این نقطه به اروپا منتقل می‌شد و شیشه‌های زیبا و مهره‌های شیشه‌ای و نیز به ایران وارد می‌شد (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۴۳-۴۲؛ سیمونز، ۱۳۶۲: ۶۳). تجار ایتالیایی در مناسبات سیاسی نیز فعالیت داشتند. آنان در دوره‌هایی به جاسوسی برای مسلمانان می‌پرداختند (سیمونز، ۱۳۶۲: ۶۳). همچنین در دوره ایلخانی در اعزام هیئت‌های ایرانی به اروپا، سفرا و مترجمانی از میان ونیزی‌ها استخدام و همراه آنان فرستاده می‌شد (بویل، ۱۳۹۰: ۳۹۱-۳۹۰).

ونیزی‌ها با شروع حکومت صفویان به برقراری مناسبات با ایران تمایل نشان دادند و به همین منظور هیئت‌هایی را به دربار صفوی ارسال کردند. آخرین فرستاده آنان که به ایران آمد دالساندری بود. وی که در سال‌های ۹۸۲-۹۷۹ ق. / ۱۵۷۴-۱۵۷۱ م. در ایران ساکن بود، تلاش بسیار کرد تا بتواند شاه طهماسب صفوی را برای مقابله با عثمانی به اتحاد با ونیز ترغیب کند، اما در انجام آن ناکام بود، چرا که در این زمان حکومت ایران علاقه‌ای به شروع جنگ با عثمانی نداشت. پس از این موضوع، تنها تجار خصوصی در ایران به دادوستد می‌پرداختند (پتروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۷۸/۵-۴۷۷).

تجارت با دولت شهرهای ایتالیایی در این دوره از مسیر شرقی و غربی دریای خزر انجام می‌شد. کالاهای تجاری نواحی جنوبی ایران از طریق عبور از خوارزم و دور زدن دریای خزر به هشترخان و از آنجا به مراکز تجاری ایتالیایی چون کافا و تانا ارسال می‌شد. مسیر دیگر بازرگانان با عبور از نواحی قفقاز چون اران و شروان به دادوستد مشغول بودند. تولیدات نواحی مجاور دریای خزر جایگاه مهمی در بازار تجاری این دوره داشتند. بازرگانان مختلف به منظور دادوستد این محصولات وارد اطراف دریای خزر و قلمرو ایلخانان می‌شدند. از جمله آن‌ها می‌توان از ابریشم، احشام و چوب نام برد.

تجارت منسوجات ابریشمی ایران و ابریشم خام ایران در دوره ایلخانان جایگاهی مهم‌تر بازارهای دنیا به دست آورد و تولید ابریشم در ایران سبب پیدایش حرفه‌های گوناگون شد و انواع کارگاه‌های بافندگی در شهرهای مختلف ایران پدیدار گردید. در اواخر سده ۷ ق. / ۱۳۱۰ م. بافندگی در ایران رونق یافت تا جایی که موجب رقابت میان خان‌های اردوی زرین و ایلخانان شد. از جمله مراکز مهم این دوره تبریز بود. به منظور رشد فعالیت‌های بافندگی در این شهر،

صنعتگرانی از انطاکیه و قبرس برای کار در کارگاه‌های ربع رشیدی به تبریز آورده شدند (پتروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۷۸/۵-۴۷۷؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۵۷ و ۶۱). تا پیش از خراب‌شدن هشت‌رخان توسط تیمور، ابریشم ایران از این نقطه به تانا، آزوف و شهرهای سواحل کریمه و از آنجا به اروپا منتقل می‌شد. از طریق خشکی نیز، ابریشم پس از انتقال به سلطانیه، به دمشق و دیگر قسمت‌های سوریه و عثمانی و کفه^۱ صادر می‌شد. هربار ابریشم صادراتی ایران در فلورانس به قیمت ۷۰ تا ۸۰ دوکا فروخته می‌شد. به طور معمول در هر سال شش کاروان ابریشم از ایران به بورسا می‌رفت که هر کدام از آن‌ها حدود ۱۲۰ تن ابریشم خام به بورسا منتقل می‌کردند (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸؛ اینال‌جق، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۲۰۸).

چارپایان از دیگر مواردی بودند که از روزگاران گذشته میان تجار ایرانی و بازرگانان سرزمین‌های اطراف دریای خزر دادوستد می‌شده است. از جمله چارپایانی که در منابع به تجارت آن‌ها پرداخته شده، می‌توان گوسفند و اسب را نام برد. در عصر ایلخانی گوسفند از گرگان، طبرستان و شروان به نواحی اطراف دریای خزر صادر می‌شد و بنادر تجاری دربند و کوتم مراکز معامله این کالا بود (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۹۹؛ اشپولر، ۱۳۶۵: ۴۳۵-۴۳۴).

چوب نیز در دوره مورد بررسی یکی از کالاهایی بود که از مناطق اطراف دریای خزر به نواحی داخلی ایران و نیز خارج از کشور صادر می‌شد. مناطق شمالی ایران چون گیلان و مازندران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، تولیدکننده اصلی این کالا بودند. علاوه بر تولید چوب، در این ایالات صنایع چوب نیز رواج داشت و در دوره ایلخانی ری مرکز صنایع چوبی بود. از چوب به منظور ساخت منازل و صنایع و ادوات جنگی استفاده می‌شد (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۴۹ و ۴۰۴). از جمله می‌توان به ارسال چوب از گیلان به اردبیل اشاره کرد که آن‌چنان که اولتاریوس آورده در این دوره اردبیل فاقد چوب و تخته برای ساختمان‌سازی بوده است (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

دریای خزر و نواحی اطراف آن در دوره ایلخانی نیز دارای اهمیت بود. با روی کار آمدن ایلخانان و فراهم شدن زمینه‌های رشد و رونق تجارت و همچنین حمایت و مشارکت حکمرانان ایلخانی، نهادهای تجاری شکل گرفت و فعالیت‌های بازرگانی از طریق دریای خزر گسترش یافت. در چنین شرایطی بازرگانان خارجی به آغاز دادوستد با ایلخانان از طریق این

۱. Kafa بندر فیودوسیای کنونی بر کناره دریای سیاه (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۳۳۲).

دریا تشویق شدند. مبادلات با اردوی زرین از طریق منطقه قفقاز انجام می‌شد و ایتالیایی‌ها که تا پیش از این با مغولان شمال دریای خزر روابط بازرگانی داشتند، وارد دادوستد با ایلخانان شدند.

مناسبات سیاسی

نقش مهم و استراتژیک دریای خزر و نواحی اطراف آن در مناسبات سیاسی عصر ایلخانی قابل توجه است. مراکز تجاری مهم واقع در حوزه این دریا در شکوفایی اقتصاد و بازرگانی قلمرو حکومت‌های مجاور تاثیرگذار بود که این امر رقابت آن‌ها برای دستیابی بر این نواحی را به دنبال داشت. در نتیجه در این دوره شاهد درگیری‌های متعدد میان ایلخانان و دیگر حکومت‌ها بر سر تسلط بر این منطقه هستیمکه این امر ویرانی مراکز تجاری و گاه قربانی شدن بازرگانان این دو را به دنبال داشت.

پس از تأسیس حکومت ایلخانان، روابط آنان با مغولان دشت قبچاق وارد مرحله تازه‌ای شد. این دو حکومت در شرق و غرب دریای خزر دارای مرزهای مشترکی بودند که خود عاملی برای برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی بود. هر دو در طول حیات سیاسی خود اختلافات بسیاری با یکدیگر داشتند که منجر به درگیری میان آنان می‌شد. اگرچه منابع علل مختلفی را در تیرگی روابط اردوی زرین و ایلخانان دخیل می‌دانند، به نظر می‌رسد مهمترین عامل دستیابی بر نواحی کاروان‌رو و راه‌های تجاری آذربایجان و قفقاز بود (نوازی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). خانان اردوی زرین تسلط بر این نواحی را حق خود می‌دانستند که توسط ایلخانان غصب شده بود. چنگیزخان قلمرو پهناور خود را میان چهار فرزندش تقسیم کرد. بخش اصلی قلمرو مغولان به تولوی داده شد. مغولستان غربی به اوگتای، بخش‌های شرقی آسیای مرکزی و قلمرو قراخانیان به جغتای و به جوچی سرزمین‌های جنوب شرقی سبیری داده شد. پس از تقسیم قلمرو، امپراطوری برای مدتی یکپارچگی خود را حفظ کرد، اما به تدریج هر یک از بخش‌ها مستقل و به صورت خان‌نشین اداره شدند. ولایتی که جوچی در اختیار داشت پس از مرگ او بین پسرانش تقسیم شد. غربی‌ترین سرزمین‌های ولایت جوچی به باتو خان پسر کوچکش رسید. پس از انتقال پایتخت مغولان به چین در سال ۱۲۶۰م. دو گروه از مغولان در آسیا باقی‌ماندند که یکی آلتین‌اردو یا اردوی زرین بود و دیگری آق‌اردو یا

اردوی سفید. اردوی زرین قلمروی گسترده‌ای از ماوراءالنهر تا کیف و نواحی قفقاز و جنوب روسیه تا کرانه‌های شمالی و شمال غربی دریای خزر و رود ترک را شامل می‌شد (شبانکاره-ای، ۱۳۸۱: ۲۴۶/۲-۲۴۵؛ اقبال، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

با توجه به اینکه در این تقسیم بندی چنگیزخان، تمام قسمت‌هایی که در غرب امپراطوری مغول زیر سم اسبان قرار می‌گرفت به الوس جوچی تعلق گرفته بود، باتو در صد گسترش قلمرو و قدرت خود در آسیای صغیر، قفقاز و ایران برآمد. در این زمان منگوقاآن که دریافته بود در صورت تسلط باتو بر این نواحی بر قدرت اردوی زرین افزوده خواهد شد، برادرش هولاکو را به ایران فرستاد. با غلبه هولاکو بر ایران و تشکیل حکومت ایلخانان راه توسعه طلبی‌خانات اردوی زرین در جنوب و غرب دریای خزر سد شد؛ چرا که ایلخانان پس از استقرار در ایران، مناطقی چون آذربایجان و گرجستان را که از سوی چنگیزخان به اردوی زرین داده شده بود، به قلمرو خود افزودند. این اقدام ایلخانان، در تیرگی روابط میان دو حکومت تأثیر بسیاری داشت. اهمیت ارتباطی و تجاری قفقاز که به عنوان گذرگاهی برای راهیابی به فلات ایران و آناتولی محسوب می‌شد، و همچنین اهمیت سیاسی و اقتصادی آن سبب شد تا ایلخانان با رد حاکمیت اردوی زرین بر آن، تلاش خود را برای تسلط بر این نواحی به کار گیرند. همچنین خان‌های اردوی زرین برای رونق تجارت قلمرو خود که از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی نسبت به نواحی قلمرو ایلخانان، از اهمیت کمتری برخوردار بود، تسلط بر این نواحی را لازم می‌دانستند (مورگان، ۱۳۷۱: ۱۷۴-۱۷۳). از آن جایی که در این دوره بیشتر مبادلات بازرگانی ایلخانان از طریق مسیرهای قفقاز، داغستان و نیز طرق تجاری آذربایجان انجام می‌شد، بدیهی است که خانات اردوی زرین با سیطره بر این نواحی استراتژیک می‌توانستند به اوضاع تجاری و اقتصادی قلمرو خود سامان بخشند. خانات اردوی زرین تا پایان حکومت ایلخانان برای بازپس‌گیری این نواحی با ایلخانان وارد منازعات متعدد شدند، اما توانستند به هدف خود دست یابند و در نتیجه تسلط بر غرب دریای خزر همچنان در دست ایلخانان باقی ماند.

اولین درگیری میان ایلخانان و اردوی زرین در زمان هولاکو و برکه‌خان رخ داد و پس از مرگ هولاکو نیز نبردهای متعدد میان جانشین وی، اباقا ادامه یافت. در این دوره برکه‌خان توانست بر مناطقی از اران و گرجستان دست یابد و تا تفلیس پیش رود، اما وی در کنار رود

ترک درگذشت و سپاهیانش بدون نتیجه بازگشتند و در نتیجه دربند در تسلط ایلخانان باقی‌ماند(آیتی، ۱۳۸۳: ۴۹). در سال‌های بعد نیز درگیری‌های متعدد میان دو طرف در گرفت که پیروزی ایلخانان را به دنبال داشت.

در دوره حکومت غازان، توفتقا با ارسال سفیری به دربار ایلخانان با تهدید ایلخان به جنگ، متذکر شد که براساس تقسیم چنگیزخان اران و آذربایجان به خاندان باتو تعلق دارد و غازان باید این نواحی را بازپس دهد. اما غازان با رد درخواست وی، بیان داشت که «از اینکه از عهد هلاکوخان این دیار بر ممالک ما افزوده شده سخنی نمی‌گوییم، ولی بر مغول و تاجیک و بدوی و شهری معلوم باشد که ما این کشور به شمشیر گرفته‌ایم و بازپس گرفتن آن نیز به شمشیر خواهد بود»(آیتی، ۱۳۸۳: ۲۲۲-۲۲۱).

پس از این دوره نیز روابط میان خانات اردوی زرین و ایلخانان دارای فرازونشیب‌هایی بود تا این‌که با مرگ ابوسعید در نتیجه ضعف و تجزیه ایلخانان، جانی‌بیگ توانست بر قفقاز و آذربایجان مسلط شود. او فرزندش بردی بیگ را در تبریز مستقر کرد و خود بازگشت. اما چندماه بعد با مرگ وی، بردی بیگ تبریز را ترک کرد(نطنزی، ۱۳۸۳: ۶۹) و با خروج بردی بیگ آل جلایر توانستند نیروهای اردوی زرین را از آذربایجان بیرون کرده و حکومت جلایریان را تشکیل دهند(شرف‌الدین، ۱۳۸۷: ۱۸۱) و مدتی پس از آن تیمور بر سراسر ایران و آذربایجان دست یافت.

نتیجه

تا پیش از روی کار آمدن ایلخانان مناسبات سیاسی و تجاری بین اقوام ساکن اطراف دریای خزر همچون خزرها، صقالبه، گیل، دیلم و برداسیان برقرار بود. همچنین گاه شاهد اختلاف و منازعه این اقوام با یکدیگر هستیم که موجبات نابودی آنان را فراهم می‌ساخت. با تشکیل دولت ایلخانان در ایران و بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی در این دوره، بازرگانان از ملیت‌ها و قومیت‌های مختلف از طریق دریای خزر و نواحی اطراف آن وارد تجارت با ایلخانان شدند. تجار مال‌التجاره‌های خود را گاه از مناطق ساحلی جنوب و غرب دریای خزر به هسترخان انتقال داده و سپس از مسیرهای شمال چون استفاده از رودهای ولگا به مقصد ارسال می‌کردند و گاه از طریق مسیرهای ارمنستان به مراکز تجاری از جمله طرابوزان و از میر منتقل می‌کردند.

نقش دریای خزر و مناطق مجاور آن در مناسبات سیاسی این عصر نیز قابل مشاهده است. جایگاه مهم جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی بخش غربی دریای خزر نقش مهمی در بروز درگیری‌های متعدد میان ایلخانان و اردوی زرین داشت. منازعات سیاسی خود عاملی در کندشدن روند تجارت و گاه قطع مناسبات بازرگانی میان ایران و شرکای تجاری می‌شد. از سوی دیگر، این درگیری‌های سیاسی، مناطق اطراف دریای خزر را که از مهم‌ترین مراکز تجاری به شمار می‌رفتند، متحمل خسارات بسیاری می‌ساخت. همچنین در مواردی شاهد قتل و غارت بازرگانان و اموالشان در قلمروی دو طرف هستیم.

بازرگانان علاوه بر تجارت، به امور دیگری نیز اشتغال داشتند. از تجار در دوره‌هایی به منظور اهداف سیاسی استفاده می‌شد. تاجر به دلیل اطلاعات سیاسی که از دول مختلف داشتند گاه از طرف ایران به سفارت فرستاده می‌شدند. پرداختن به کارهای سیاسی برای تاجر دربردارنده مزایای بسیاری بود. چرا که آنان در این سفرها می‌توانستند بدون پرداخت عوارض گمرکی در حین انجام وظایف سیاسی، به امور تجاری خود نیز پردازند. این امر برای دولت‌های ایران نیز دارای مزایای بسیاری بود. تسلط بازرگانان به زبان‌های خارجی آنان را از تعیین مترجم برای هیئت‌های سیاسی بی‌نیاز می‌ساخت. تاجر همچنین حامل اخبار مهم مناطق مختلف بودند. حکمرانان با استفاده از اخباری که آنان در اختیارشان قرار می‌دادند، از اوضاع داخلی سایر کشورها آگاهی می‌یافتند.

منابع و مأخذ

- آکا، اسماعیل، ۱۳۹۰، *تیموریان*، ترجمه: اکبر صبوری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ۱۳۸۵ ق، بیروت: دار صادر.
- ابن اسفندیار، محمدبن حسن، ۱۳۸۶، *تاریخ طبرستان*، جلد اول از ابتدای بنیاد طبرستان تا استیلای آل زیار، به تصحیح عباس اقبال، به اهتمام: محمدمضانی، تهران،
- ابن حائل، حسن بن احمد، ۱۴۲۵ ق، *الإکلیل من أخبار الیمن و أنساب حمیر*، به تصحیح: اکوع حوالی، محمدبن علی، صنعا: وزارة الثقافة و السياحة.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل، ۱۹۳۸ م، *صورة الأرض*، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۸۹۲ م، *الأعلاق النفیسة*، بیروت: دار صادر.

- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلیخانان تا عصر صفوی، تهران: بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچانا، کتابخانه مرکزی اسناد دانشگاه، ۱۳۵۲.
- اشپولر، برتولد، ۱۳۶۵، تاریخ مغول در ایران، سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلیخانان، چاپ دوم، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، ۱۳۶۳، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۸، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی، ۱۳۶۸، تاریخ عثمانی، ترجمه: ایرج نوبخت، تهران: کیهان.
- اولئاریوس، آدام، ۱۳۸۵، سفرنامه، ترجمه و حواشی: احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۸۳، تحریر تاریخ وصاف، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اینالجب، خلیل، ۱۳۹۱، امپراطوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات، ترجمه: رسول عربخانی، تهران: پژوهشگاه تاریخ اسلام.
- باربارو و دیگران، ۱۳۴۹، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر وویچ، ۱۳۷۶، تاریخ ترکهای آسیای، ترجمه: غفار حسینی، تهران: توس.
- ، ۱۳۷۵، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه: لیلا ربن شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بریمانی، احمد، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، دریای مازندران، تهران: دانشگاه تهران.
- بناکتی، ابوسلیمان داود بن ابی الفضل محمد، ۱۳۴۸، روضه‌اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب، تهران: انجمن آثار ملی.
- بولنوا، لوس، ۱۳۸۳، راه ابریشم، ترجمه: ملک ناصر نوبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بوئل، جی. آ.، ۱۳۹۰، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلیخانان»، تاریخ ایران کیمبریچ از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، ترجمه: حسن انوشه، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- بهزادی، رقیه، ۱۳۹۱، قوم‌های کهن در قفقاز، ماوراءقفقاز، بین النهرین و هلال حاصلخیز، تهران: علمی.
- بیانی، شیرین، ۱۳۸۹، مغولان و حکومت ایلیخانی در ایران، چاپ هشتم، تهران: سمت.

نقش دریای خزر در مناسبات عصر ایلخانی □ ۱۰۳

پطروشفسکی، اب، کارل یان، جان ماسون اسمیت، ۱۳۶۶، *تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره مغول*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: اطلاعات.

-----، ۱۳۴۴، *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

جمالزاده، محمدعلی، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط ایران و روس*، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
جوینی، علاء الدین عطاملک بن بهاء الدین محمد بن محمد، ۱۳۸۵، *تاریخ جهانگشای جوینی*، چاپ چهارم، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.

حسین زاده شانه‌چی، غلامحسن، ۱۳۹۳، *تاریخ اسلام در آسیای میانه و قفقاز*، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

خلیفه، مجتبی، ۱۳۹۰، "خزرها"، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، زیر نظر علامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

خلیفه، مجتبی، زمانه حسن‌نژاد، ۱۳۹۱، *تجارت در قلمرو باوندیان اسپهبدیه طبرستان (۶۰۶-۴۶۶ق)*، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۴، ۵۳-۲۷.

خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین، ۱۳۸۰، *تاریخ حبیب السیر*، چاپ چهارم، تهران: خیام.
دزفولیان، کاظم، ۱۳۸۷، *اعلام جغرافیایی در متون ادب فارسی تا پایان قرن هشتم*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

راوندی، مرتضی، ۱۳۶۴، *تاریخ اجتماعی ایران*، چاپ دوم، بی جا: نگاه.

رضوی، ابوالفضل، ۱۳۸۸، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران: امیرکبیر.
زهری، ابوعبدالله محمدبن ابی بکر، ۱۳۸۲، *الجغرافیه*، به کوشش و تحقیق محمدحاج صادق، ترجمه: حسین قره چانلو، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ساوینا، وایی، نام اقوام در جغرافیای ایران، ترجمه حسین مصطفوی، *تحقیقات ایران شناسی*، ش ۱۸، ۱۸۲-۱۶۵، ۱۳۸۰.

سیمونز، اریک، ۱۳۶۲، *تاریخ تجارت*، ترجمه: ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، ۱۳۸۱، *مجمع الانساب*، به تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: امیر کبیر.

شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷، *ظفرنامه*، به تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

صورالاقالیم یا هفت کشور، ۱۳۵۳، به تصحیح و تحشیه: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

عالمزاده، هادی، ۱۳۶۷، «آزوف»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

عون اللهی، سیدآغا، ۱۳۸۷، *تاریخ پانصد ساله تبریز*، ترجمه: پرویز زارع شاهمرسی، تهران: امیرکبیر.

قرهچانلو، حسین، رمضان رضایی، «بلغار و بلغارها در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی از آغاز تا سده نهم هجری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ششم، شماره ۲۰، ۱۳۵-۱۲۳، ۱۳۹۳.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، ۱۹۹۸م، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت: دار صادر .
-----، ۱۳۷۳، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه: جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، ۱۳۷۹، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی.

کریمی، علی‌رضا، محمدرضایی، «روابط ایران و جنوا در دوره ی ایلخانان»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران* [دانشگاه الزهراء(س)]، ش ۱۸، ۱۳۹۲.

کلاویخو، روی گونزالس، ۱۳۶۶، *سفرنامه*، چاپ دوم، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
کوریک، جیمز آ، ۱۳۸۷، *امپراطوری بیزانس*، چاپ چهارم، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
گروسه، رنه، ۱۳۸۷، *امپراطوری صحرانوردان*، چاپ پنجم، ترجمه: عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی.
گستلر، آرتور، ۱۳۶۱، *خزران*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بی‌نا.

گیرشمن، رومن، ۱۳۶۴، *ایران از آغاز تا اسلام*، چاپ پنجم، ترجمه: محمدمعین، بی‌جا: علمی و فرهنگی.
لسترنج، گای، ۱۳۶۴، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، چاپ دوم، ترجمه: محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.

لومرل، پل، بی‌تا، *تاریخ بیزانس*، ترجمه: ابوالقاسم اعتصام‌زاده، علی اکبر علمی، تهران.
مجهول، ۴۲۳ق، *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، یوسف الهادی، قاهره: دارالثقافیه للنشر.
مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۴، *تاریخ گزیده*، چاپ سوم، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر .
مشکور، محمدجواد، «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۲۸، ص ۱۴۲-۱۱۷، ۱۳۴۹.

مصطفوی، علی اصغر، ۱۳۶۹، *نگاهی به زندگی ایرانیان یهودی*، بی‌جا: بامداد.

مورگان، دیوید، ۱۳۷۱، *مغول‌ها*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

میرجعفری، حسین، ۱۳۸۸، *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، چاپ هشتم، تهران، سمت.

نقش دریای خزر در مناسبات عصر ایلخانی □ ۱۰۵

مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ، ۱۳۷۵، *تاریخ شروان و دریند*، ترجمه: محسن خادم، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

نسوی، شهابالدین محمد، ۱۳۲۴، *سیره جلال‌الدین یا تاریخ جلالی*، به تصحیح و تحقیق: محمد ناصح، تهران: انجمن ادبی ایران.

نوازنی، بهرام، مرتضی نوازنی، ۱۳۹۰، «ملت تاتار: از اردوی زرین تا ولگا-اورال»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوازدهم، ش ۴۷، ص ۱۴۱-۱۲۱.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵م، *معجم‌البلدان*، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.

یوسفی، غلامحسین، ۱۳۴۸، «انعکاس اوضاع اجتماعی در آثار رشیدالدین فضل‌الله»، *جستارهای ادبی* [دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد]، ش ۴۳۵، ۱۹-۳۳۰.

پی پینگ، جامگ، ۱۳۹۰، *جغرافیای تاریخی جاده ابریشم*، ترجمه: عباس طالبی‌فر، کاظم سلطان احمدی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

هربک، ۱۳۹۰، "بلغار"، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۴، زیر نظر: غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.